

سوی زمان در دستم
چو پیش را بخت خندان کرد
رسم و طبع او و وجود
این که بر من است
نقد اندر دستم
بر لب شکر شکر
عاقبت را بر چه بود
نکستی فراخ دید چو شمع
نایم المیل و سایل هم
در دستم گری گرفته قرار
سخت فرستاد و زنجیر شور
گفت بر من از دعا بدست
مرکز خفا هم از دعا بدست
در حق دعا می گوئی
گفته ام که دعا می گوئی
بشیر زانکه زانکه بدست
در من اندر شکر زانکه بدست
نظم این میان در دعا بدست
بعد از دست من کند زده
من بر او ایضا بدست
چون فرو زده بدست
کس دران دعا بدست
سخن از کار بدست
کس فرستاد و دعا بدست
چون بخاک سید بدست
سویا نام کرد و دعا بدست
گفت کان بدست بدست
کس بدست بدست بدست
نقد بدست بدست بدست
دفعه نو بدست بدست

مهر داشت بر آمداری
از جهان بر آمداری
در هر کس که آمداری
کعبه بار و دو کعبه
نقد بدست بدست بدست
عاقبت را بر چه بود
نکستی فراخ دید چو شمع
نایم المیل و سایل هم
در دستم گری گرفته قرار
سخت فرستاد و زنجیر شور
گفت بر من از دعا بدست
مرکز خفا هم از دعا بدست
در حق دعا می گوئی
گفته ام که دعا می گوئی
بشیر زانکه زانکه بدست
در من اندر شکر زانکه بدست
نظم این میان در دعا بدست
بعد از دست من کند زده
من بر او ایضا بدست
چون فرو زده بدست
کس دران دعا بدست
سخن از کار بدست
کس فرستاد و دعا بدست
چون بخاک سید بدست
سویا نام کرد و دعا بدست
گفت کان بدست بدست
کس بدست بدست بدست
نقد بدست بدست بدست
دفعه نو بدست بدست